

عنوان داستان‌ها



۴۷..... طهمورث دیوبند



۴..... نبرد با اهریمن



۶۵..... پرواز با اهریمن



۲۷..... کشف آتش

در سایه‌ی پُر مهر کیومرث ، همه در صلح و آرامش زندگی می‌کردند و به نظر می‌رسید که کیومرث در تمام گیتی حتی یک دشمن هم ندارد.

اما آن دورترها دیوی حسود و پلید بود که از دور زندگی مردم را تماشا می‌کرد و مثل حیوانی درنده طعمه‌ی خویش را می‌پایید. آن دیو پلید، فرزندی داشت مانند گرگ.

او هربار که به فرزندش نگاه می‌کرد آهی از ته دل می‌کشید و آرزو می‌کرد: ای کاش بتوانم هرچه زودتر به حکومت کیومرث پایان دهم و فرزند دلبندم را جانشین او کنم.

